جغرافیا و توسعه شماره ۴۲ بهار ۱۳۹۵
وصول مقاله : ۱۳۹۳/۱۲/۲۲
تأیید نهایی : ۱۳۹۴/۰۸/۱۷
صفحات : ۲۶-۱

آمایش ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی مناطق مرزی جنوب شرق کشور و راهبردهای توسعه‌ی آن
مطالعه‌ی موردی: استان سیستان و بلوچستان

دکتر عیسی ابراهیم‌زاده[۱] ، دکتر میرنجف موسوی[۲]، علی باقری‌کشکولی[۳]

چکیده

مرزهای ایران به عنوان گلوگاه‌های ارتباطی، با دارا بودن ظرفیت‌های ژئوپلیتیک فوق‌العاده اقتصادی، امنیتی، دسترسی، ارتباطات منطقه‌ای و بین‌المللی واجد کارکردهای تولیدکننده‌ی قدرت در کشور می‌باشند. عدم توسعه‌یافتگی و وجود شکاف رفاهی میان شهرهای مرزی با شهرهای مرکزی که نوعی حاشیه و متن را ایجاد کرده است، بر ضرورت آمایش سرزمینی این مناطق می‌افزاید. در این راستا، هدف از این پژوهش، بررسی مؤلفه‌های تأثیرگذار بر شرایط ژئواکونومیکی و ژئوپلیتیکی مناطق مرزی جنوب شرق کشور و تأثیرات آنها بر آمایش و توسعه‌ی سرزمین است. روش تحقیق توصیفی- تحلیلی و حجم نمونه ۸۵ نفر از کارشناسان و متخصصان بر اساس روش نمونه‌گیری تصادفی و سیستماتیک بوده و شاخص‌های بررسی مؤلفه‌های ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی استان، ۲۲ شاخص اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی بوده است. بر اساس نتایج حاصل از مدل تحلیل مسیر، متغیّرهای ژئواکونومیک با میزان ۰/۷۶۴ دارای بیشترین تأثیرات در کاهش دوگانگی منطقه‌ای و کاهش شکاف مرکز- پیرامون بوده‌اند؛ اما متغیّرهای ژئوپلیتیک قومی- مذهبی با میزان ۰/۵۳۸- دارای اثر منفی و کاهنده بر آمایش استان بوده است که بیشترین تأثیر آنها نیز از طریق تأثیرات مستقیم می‌باشد. در عین حال گسترش تنش‌های قومی که همواره به علت تحریکات قدرت‌های فرامنطقه‌ای و تحت تأثیر عوامل نزدیکی با مرز و متأثر از آن سوی مرزها است، منجر به ایجاد ناامنی در منطقه شده و این عوامل تمام فرصت‌های موجود در منطقه در زمینه‌ی توسعه‌ی اقتصادی را از بین می‌برد که در این راستا راهبردهایی جهت آمایش و توسعه‌ی مطلوب سرزمینی در این منطقه در متن اصلی مقاله ارائه شده است.

کلیدواژه‌ها: ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک، آمایش مناطق مرزی، قومیّت، استان سیستان و بلوچستان.

۱- استاد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری- منطقه‌ای دانشگاه سیستان و بلوچستان (نویسنده مسؤول) gep.usb.ac.ir@Iazh
۲- دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه ارومیه m.mousavi@urmia.ac.ir
۳- دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه اصفهان

مقدمه

ایران با توجه به توانمندی‌ها و پتانسیل‌های اقتصادی، فرهنگی،نظامی،جغرافیایی و در یک کلمه واقعیت‌های ژئوپلیتیکی آن یکی از کشورهای بسیار مهم منطقه به ساب می‌آید. زیرا با توجه به موقعیت ارتباطی آن در کانون راه‌های ارتباطی و مواصلاتی اوراسیا واقع شده و این‌گستره‌ی جغرافیایی برای پیوند جغرافیای میانی و به عبارتی هارتلند هندسی اوراسیا با پهنه آب‌های آزاد و دنیای خارج، از موقعیت ویژه‌ای بهره می‌برد *(قلی‌زاده و ذکی، ۱۳۸۷: ۲۲)*. بطور مشخص ملاک قدرت در سده‌ی بیست و یکم، توانمندی‌های اقتصادی در سطح بین‌المللی و کنترل نظام تولید، عرضه و مصرف کالاهای اقتصادی است و به همین لحاظ مناطق ژئواستراتژیک منطبق با مناطقی است که منابع سرشار طبیعی (بویژه منابع انرژی) و نیز تولید ناخالص ملّی چشمگیر دارند. از این منظر منطقه‌ی خاورمیانه، بویژه حوزه‌ی خلیج‌فارس و دریای خزر به علت در اختیار داشتن بیش از ۷۰ درصد منابع تولید انرژی (نفت و گاز)، نقش "ژئواکونومیک" ویژه‌ای در قرن ۲۱ بازی خواهد کرد *(مینایی، ۱۳۸۲: ۴۳)*. اینک این اهمیت و موقعیت باعث گردیده تا کشورهای قدرتمند به گونه‌ای در این منطقه مداخله نمایند و به دنبال تأمین منافع کشورگشایی و دستیابی به ثروت خدادادی این منطقه باشند. عوامل ژئوپلیتیکی خاص این منطقه همانند منابع عظیم نفتی و گازی و تأمین بخش عمده‌ی سوخت جهانی از این منابع و قرار گرفتن کشور ایران در منطقه حساس خاورمیانه و جایگاه مهم ایران در ترانزیت کالا از آسیا به اروپا و همین طور در اختیار داشتن منطقه‌ی استراتژیست تنگه‌ی هرمز و دریای عمان و بنادر عظیم صادراتی همواره باعث طمع قدرت‌های استعمارگر و حتی در میان کشورهای همسایه نیز باعث بروز اختلاف و تنش‌هایی گردیده است *(نادری، ۱۳۸۹: ۱۲۱)*. علاوه بر این مناطق، مرزهای ایران نیز به عنوان گلوگاه‌های ارتباطی و عامل تفسیر کننده وضعیت ژئواکونومیکی ایران، از لحاظ ژئوپلتیکی اهمیت فراوانی پیدا می‌کنند. با توجه به اینکه موقعیت جغرافیایی، راه‌های مواصلاتی به کشورهای مهم منطقه، شبکه آب‌ها و سایر عوامل ثابت ژئوپلیتیک مرزهای کشور را از اهمیّت زیادی برخوردار می‌کند، لذا هنگام بررسی ژئوپلیتیک مناطق مرزی عوامل متغیّر و به ویژه منابع انسانی و ترکیب قومیّتی این مناطق از اهمیت زیادی برخوردار است. از سوی دیگر، موقعیت و ساختار طبیعی فضای ایران، بر کنش متقابل افراد و گروه‌های اجتماعی تأثیرات متفاوتی به جا گذاشته است؛ از یک سو با بسترسازی ارتباط میان اقوام و گروه‌ها، تعامل آنها را با یکدیگر و با سکنه‌ی فلات ایران آسان نموده است و از سوی‌دیگر جنبه‌های وحدت بخش کلان سرزمینی بر شکل‌گیری روابط و پیدایش خصلت‌های کلان ملی تأثیر گذاشته است و جنبه‌های تفکیک‌ساز فضا، شکل‌گیری تفاوت‌ها و خصلت‌های ناحیه‌ای درون آن را موجب شده است *(حافظ نیا، ۱۳۸۱: ۳۹)*. با این تفاسیر، مناطق مرزی جنوب شرق ایران با دارا بودن ظرفیت‌های ژئوپلیتیک فوق‌العاده اقتصادی، امنیتی، دسترسی، ارتباطات منطقه‌ای و بین‌المللی واجد کارکردهای تولیدکننده‌ی قدرت در کشور است که تا کنون مورد غفلت واقع شده لذا با وجود دارا بودن پتانسیل‌های فوق‌الذکر که دیگر مناطق ایران فاقد چنین پتانسیل‌هایی هستند، یکی از عقب‌مانده‌ترین مناطق کشور به لحاظ اقتصادی، اجتماعی و محیطی محسوب می‌گردد. از این رو می‌توان گفت توسعه‌ی آینده کشور با توجه به موقعیت جغرافیایی و ساحلی دریای عمان وابسته به طراحی سیاست‌های کارآمد و استفاده‌ی بهینه از کارکردهای این منطقه از کشور می‌باشد. در واقع مناطق مرزی

جنوب‌شرق ایران واجد مزیت‌های ژئوپلیتیکی مهمی برای ایران است که ایران را به عنوان وزنه‌ای در سیستم بین‌المللی و سیستم جهانی در قرن ۲۱ مطرح می‌نماید. برخی از مزیت‌های این منطقه دارای اثرات درون کشوری است و برخی به موقعیت ایران در ساختار نظام جهانی مربوط می‌شود *(حافظ‌نیا و رومینا، ۱۳۸۴: ۷- ۵)*. با این حال، عدم توسعه‌یافتگی مناطق مرزی جنوب شرق کشور، رفاه میان شهرهای مرزی با شهرهای مرکزی که نوعی حاشیه و متن را ایجاد کرده است، بر ضرورت توسعه‌ی این مناطق می‌افزاید. بر این اساس، توسعه‌ی محور ترانزیتی جنوب شرق و اتصال شمال به جنوب ایران منجر به پیوستگی‌های اقتصادی خواهد شد که این عامل تأثیر زیادی بر روی اتحاد مناطق مرزی با شهرهای مرکزی خواهد داشت و منجر به آمایش سرزمینی در منطقه جنوب شرق کشور خواهد شد *(خلیلی و همکاران، ۱۳۹۰: ۸۳)*. چرا که موقعیت ژئوپلیتیک جنوب شرقی ایران با همجواری با کشورهای پاکستان و افغانستان و قرارگرفتن در مسیر دسترسی به آب‌های آزاد جهان برای کشورهای آسیای مرکزی و افغانستان جایگاه ویژه‌ای را برای گسترش مبادلات منطقه‌ای و بین‌المللی ایران فراهم نموده است. این منطقه از دید پتانسیل‌های اقتصادی دارای سه سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی است. ۳۰۰ کیلومتر مرز آبی در کرانه‌های دریای عمان و اشراف این منطقه بر یکی از مهمترین و استراتژیک ترین راههای آبی جهان، همسایگی با افغانستان و پاکستان و نزدیکی به کشورهای آسیای میانه که دسترسی به دریا ندارند، ویژگی برجسته‌ای به این منطقه بخشیده است *(کیانی‌مقدم و همکاران، ۱۳۹۱: ۴۸)*. در این راستا، برای اجرایی کردن و رسیدن به اهداف طرح توسعه‌ی محور شرق که تحولات عظیم اقتصادی را برای استان‌های سیستان و بلوچستان، کرمان و هرمزگان به همراه دارد، باید تمام ویژگی‌های زیربنایی و زیرساختی اعم از توسعه‌ی بندر چابهار، گسترش منطقه‌ی آزاد صنعتی و تجاری چابهار، توسعه بازارچه‌های مشترک مرزی، احداث جاده تراتزیت ۹۰۰ کیلومتری چابهار به مرز سیستان با افغانستان در نقطه‌ی صفر مرزی میلک، ایجاد تأسیسات منطقه‌ی ویژه اقتصادی سیستان و ایجاد منطقه‌ی آزاد تجاری- صنعتی سیستان، ساخت خط آهن چابهار به منطقه‌ی مرزی میلک و اتصال آن به راه‌آهن سرخس با گذر از شهرستان‌های نیکشهر، ایرانشهر، خاش، زاهدان، زابل، ساخت تأسیسات و امکانات رفاهی و اجرای صدها پروژه مورد نیاز برای توسعه‌ی ترانزیت کالا از بندر چابهار به نقاط دیگر کشور منجر به توسعه‌ی وزن ژئواکونومیکی جنوب شرق کشور خواهد شد که نهایتاً این توسعه منجر به رشد و توسعه‌ی شهرها و مناطق مرزی جنوب شرق کشور خواهد گردید *(خلیلی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۱۵)*. از سوی دیگر به لحاظ جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک، "جنوب شرق کشور که جزیی از پیکره‌ی سرزمین ایران می‌باشد از گوناگونی و تنوع فرهنگی، اجتماعی و قومی مستثنی نبوده است.استان سیستان‌وبلوچستان از جمله استان‌هایی است که شکاف قومی و زبانی آنها، موازی با شکاف مذهبی بوده و با تقویت و بالفعل کردن همدیگر بر احتمال فعال‌شدن و تبعات امنیتی مسائل قومی می‌افزاید *(احمدی‌پور و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۴)*. اینک هدف این پژوهش تحلیل و پی‌جویی راهبردهای توسعه‌ی منطقه‌ای با بهره‌گیری از کارکردهای آمایش ژئوپلیتیکی و ژئواکونومی سیستان و بلوچستان در جنوب شرق ایران بوده و بدین منظور سؤال اساسی پژوهش آن است که با توجه به عدم تعادل‌های موجود در مرکز و پیرامون در سطح ملی و عدم توسعه‌یافتگی این استان، آیا مؤلفه‌های تأثیرگذار بر شرایط ژئواکونومیکی و ژئوپلیتیکی این منطقه وجود دارد تا با

مطالعه و تحلیل این مؤلفه‌ها، راهبردهایی جهت آمایش سرزمینی این مناطق در راستای رسیدن به توسعه‌ی پایدار و کمرنگ‌تر کردن دوگانگی‌های منطقه‌ای ارائه گردد؟

مبانی نظری پژوهش

اصولاً در جهان نقاط جغرافیایی خاصی وجود دارد که تسلط بر آنها بطور ویژه‌ای موجب افزایش ثروت و قدرت یک کشور می‌شوند بطوری‌که بسیاری از صاحب‌نظران از تفوق ژئواکونومی بر ژئوپلیتیک در قرن بیست و یکم سخن به میان آورده‌اند *(خلیلی و همکاران، ۱۳۹۰: ۸۷)* و معمولاً مناطق مرزی، از حساس‌ترین نقاط و دارای شرایط ویژه استراتژیک به حساب می‌آیند *(موسوی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۹۳)* که از تفوق ژئواکونومی برخوردار می‌باشند. در منطقه‌ی مرزی جنوب شرق کشور مؤلفه‌های ژئواکونومیکی شامل؛ بازارچه‌های مرزی، تبادلات مالی، امنیت اقتصادی و در عین حال مؤلفه‌های ژئوپلتیکی همچون قومیّت، مسیرهای ارتباطی و غیره دارای اهمین خاص می‌باشند. امروزه به دنبال انقلاب الکترونیکی دگرگونی عظیمی در مفهوم مرزها به وجود آمد، بطوری که مفهوم آن از یک خط به یک منطقه، از فیزیکی به فرهنگی و از فضایی به کارکردی و نفوذناپذیری به نفوذپذیری و نهایتاً عامل تأثیرگذار بر وزن ژئوپلتیکی و ژئواکونومیکی بدل شده است *(موسوی، ۱۳۸۸: ۱)*. اصولاً مرزها به عنوان خطوط حاشیه‌ای واحدهای سیاسی، می‌توانند در چشم‌انداز، قابل رؤیت یا غیر قابل رؤیت باشند؛ آنها دارای امتداد هستند اما عرض ندارند، بطوری‌که در بعضی جاها فقط با لوح‌های سنگی مشخص یا محصور شده‌اند *(Guo,2005:5-6)*.

دبلیج[1] مرز را به عنوان یک منطقه‌ی جغرافیایی که ورای منطقه یکپارچه واحد سیاسی است و بسط در آن می‌تواند صورت بگیرد تعریف می‌کند؛ او از مرز به عنوان "برون‌گرا" یاد می‌کند، بدین معنی که توجه آنها به طرف سرزمین‌های غیر مشترک است *(Deblij,1973:127)*. در عین حال مرزها همواره به نوعی آمیخته با دفاع نظامی از سرزمین‌های ملی در برابر حمله ارتش کشورهای متجاوز بوده است؛ همچنین از نقاط متمایز و بر جسته در مراودات بازرگانی همانند امور گمرکی و مالیاتی بوده‌اند *(Walter,2006:188)*.

بطور کلی مرز سیاسی از جهاتی دارای سه کارکرد است:

الف- عملکرد قانونی؛ که در آن خط مرزی دقیقاً حدود سرزمین قلمرو و مسؤولیت استانداردهای قضایی و قانونی کشور را مشخص می‌کند.

ب- عملکرد کنترلی؛ که در آن هر عبوری از خط مرزی، در کنترل کشور قرار می‌گیرد.

ج- عملکرد مالی؛ که در آن عملکرد کنترلی با دریافت حقوق گمرکی همراه می‌شود *(Guo,2005:15)*.

از این‌رو امروزه مرزها دیگر کارکرد صرف سیاسی و اقتصادی را ندارند و تبدیل به ابزارها و فضاهای تأثیرگذاری شده‌اند، که از مهم‌ترین و بارزترین آن، ویژگی‌ها جابجایی و انعطاف‌پذیری این مرزها است *(Adey, 2004: 18)*، گرچه برخی ناامنی‌های سیاسی و اجتماعی بی‌جهت به ویژگی‌های انعطاف‌پذیری مرزها ربط داده می‌شود *(Bigo, 2002:51)* (جدول ۱).

1-Deblij

جدول ۱: گونه‌شناسی تأثیرات مرزها بر اقتصاد و سیاست‌های فضایی

بخش‌ها	انواع تأثیرات مرزی	
	مرز به عنوان عاملی بازدارنده اجرا کننده	مرز به عنوان عامل ارتباطی
سازماندهی فضا	توسعه‌ی هر دو منطقه‌ی مرزی	رقابت و همکاری در میان تجمع‌گرایی
حمل و نقل بین‌المللی	تأثیر شدید مرکز تمرکز بر روی مرز	توسعه‌ی دوباره فضایی و فرا ساختارها و خدمات
بازار کار	دسته‌بندی و بخش‌بندی حتی تحت حمایت	استراتژی جدید در حوزه‌ی اشتغال میان مرزی
بومی‌سازی صنعت	بر مبنای قوانین دسته‌بندی عمودی	بر مبنای قوانین شبکه‌ی محیطی
صنعت بهره‌ور از تکنولوژی برتر	به حاشیه رانده شدن، غیر از مناطقی که اجازه واگذاری جایگاه را مهار می‌کنند	تأثیرات کاتالیزوری ناشی از شبکه‌ی همکاری سیاسی
آموزش دانشگاهی	جدایی و جداسازی ناشی از تفاوت‌های ساختاری مهم و سیستم‌های تحصیلی ملّی	مدرک در هر دو طرف مرز معتبر است و همکاری‌هایی در برنامه
سیاست‌های تکنولوژیک	رویکرد سرکوب‌کننده‌ی مرکز- پیرامون	خلق محیط‌ها و ساختارهای میان مرزی

مأخذ: Source: sermak, 2007

در واقع مرزها را می‌توان بخشی از یک روند دانست که در خلال آن هویّت و ویژگی‌های آن مناطق مشخص می‌گردند *(Passi,1996)* و نتایج حاصل از این روندها را می‌توان در رشد و توسعه یا رکود شهرهای مرزی مشاهده کرد. همچنین تأثیرات زیاد مرزها را می‌توان در سیاست، امور حکومتی، اقتصاد، فرهنگ، ساختار و روابط قوی فعالیّت‌های آموزشی و سایر موارد اجتماعی و ملّی مشاهده کرد *(Sermak,2007:75)*. از این رو امروزه با جهانی شدن صنعت، تجارت، امورمالی و تغییرات در نظام بین‌المللی، تفکرات ژئواستراتژیک بسوی باورهای ژئواکونومیکی مرزها معطوف شده است؛ به گونه‌ای که تحولات در کارکردهای مرز و نگرش به آن به عنوان یک فرصت اقتصادی از سوی نظام‌های سیاسی حاکم، موجب افزایش جمعیّت در مناطق مرزی شده و شرایط جدیدی را رقم زده است، این شرایط جدید مرکز را وادار به تجدید نظر در روابط خود با پیرامون کرده است *(Pena, 2005:286- 290)*.

در این راستا سیاست‌ها و برنامه‌های داخلی و خارجی در سطوح مختلف محلی، منطقه‌ای، قاره‌ای و جهانی قابل بررسی است که به تناسب هر یک از سطوح، فرآیندهای سیاست داخلی و خارجی نیز متفاوت خواهد بود. بطوری‌که یکی از مؤلفه‌های مهم و تأثیرگذار در اتخاذ سیاست‌های ملی و بین‌المللی، نقش عوامل انسانی و طبیعی و بطور کلی جایگاه منطقه در سیستم و نظام داخلی است که به ژئوپلیتیک تعبیر می‌شود. از این رو ژئوپلیتیک را می‌توان روش تحلیل میان عناصر جغرافیایی (فضا، محیط و انسان‌ها) و فرآیندهای سیاسی (قدرت، سیاست و جغرافیا)، تعریف نمود *(قالیباف و همکاران، ۱۳۹۳: ۵۷)* (نمودار ۱).

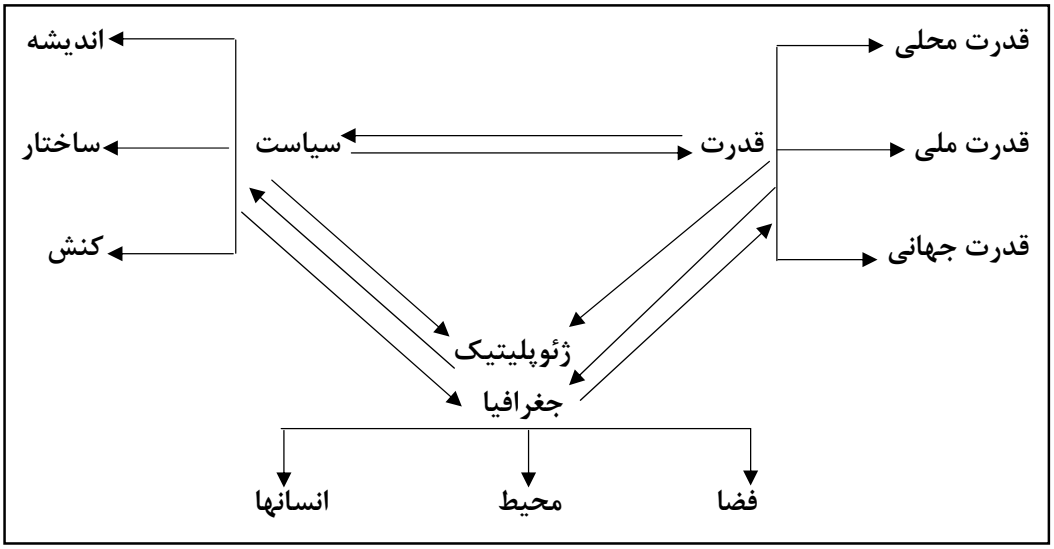

نمودار ۱: روابط بین عناصر جغرافیایی و سیاسی در ژئوپلیتیک

مأخذ : معصومی و همکاران، ۱۳۹۲

در ارتباط با مؤلفه‌ی جغرافیا در فرآیندهای سیاسی، موقعیت خاص جغرافیایی مناطق کشور و نحوه‌ی استقرار مکانی اقوام در آن ایجاب می‌کند که پدیده‌ها و وقایع مربوط به مؤلفه‌های جغرافیای انسانی مانند نژاد و قومیت‌های مناطق و تأثیر آنها در امنیت منطقه و در سطح ملی پیش از هر چیز در چارچوب ژئوپلیتیکی بررسی شوند. در این ارتباط، موقعیت استقرار اقوام، چگونگی همجواری‌ها و بهره‌گیری آن از ویژگی‌های جغرافیایی، بالطبع در عملکرد و نحوه‌ی تأثیر در امنیت ملّی و منطقه‌ای بسیار مؤثر است. زیرا اصولاً وجود اقوام مختلف در یک منطقه صرف‌نظر از مزایایی که دارد، کشور را از نظر ژئوپلیتیکی در مقابل تهدیدات خارجی و نحوه‌ی اداره‌ی امور داخلی آسیب پذیر می‌کند *(بختیارپور و عزتی،۱۳۸۹: ۲)*. بنابراین، همه‌ی موضوعات مرتبط با این مفاهیم، مانند ریشه‌یابی مسائل قومی، جریانات مهاجرت، تحلیل قدرت سیاسی شهرهای مرزی، تحلیل فضایی قدرت سیاسی در سطح منطقه، تقسیمات کشوری و رقابت‌های مکانی، دولت محلی، تمرکز و عدم تمرکز قدرت سیاسی از جمله مسائلی است که امروزه در قلمرو مطالعات ژئوپلیتیک مورد توجه و بررسی قرار می‌گیرند*(حافظ‌نیا،۱۳۹۲: ۴۷)*. در نظر گرفتن این مؤلفه‌ها در یک منطقه‌ی ژئوپلیتیکی، بازگوکننده‌ی شکل تحکیم‌یافته آن منطقه‌ی جغرافیایی می‌باشد.اگر در یک منطقه‌ی جغرافیایی، یک یا چندعامل محدود موجبات همگرایی را فراهم می‌سازد، در منطقه‌ی ژئوپلیتیکی این کارکردهای جغرافیایی و تأثیر آن بر سیاستگذاری‌های دولت‌هاست که نقش‌آفرینی می‌نماید. اینک اگر تمام عناصر ساختاری و کارکردی یک منطقه‌ی جغرافیایی نقش آفرین شوند، منطقه‌ی جغرافیایی تغییر ماهیّت داده و به صورت یک منطقه‌ی ژئوپلیتیکی در صحنه ظاهر می‌شود. در واقع منطقه‌ی ژئوپلیتیکی بسترساز شکل‌گیری الگوی فضایی روابط سیاسی دولت‌های درون منطقه‌ای و برون منطقه‌ای است. بطوری‌که کنش و واکنش کارکردها در این الگوی فضایی، چگونگی پیدایش الگوی رقابت، همکاری یا نزاع را

برمـــی‌انگیزانـــد. از ایـــن رو در منطقـــه‌ی ژئوپلیتیـــک چگونگی تعامل نیروهای طبیعی و انسانی هســـتند کـــه تحولات را رقم می‌زنند *(یوسفی و کریمی، ۱۳۸۹: ۲۸)*. یکی از کارکردهای انسانی که تأثیر زیـادی در آمـایش سرزمینی و تحولات منطقـه‌ای دارد، قـدرت اقتصـادی است، زیرا در حال حاضر قدرت اقتصادی تا حد زیادی، تعیین کننده جایگاه و نقش کشورها در نظـام جهـانی است. از این رو مناطقی که از نظر اقتصادی غنـی‌تـر و قدرتمندتر باشند اهمیت بیشتری یافته و در نتیجه در نظـام جدیـد جهـانی، منـاطق ژئواکونومیـک موقعیـت بهتری خواهند یافت *(امامی، ۱۳۹۲: ۱۴۲)*. این دیـدگاه با تئوری ادوارد لوتـواک کـه در سـال ۱۹۹۰ مـیلادی پارادایم ژئواکونـومی را بـا مفهـوم گسـترده وارد علـوم جغرافیایی و سیاسی کـرد، شـکل گرفـت. بطـور کلـی ژئواکونـومی از ترکیـب سـه عنصـر جغرافیـا، قـدرت و اقتصاد شکل گرفته است و بـه نظـر مـی‌رسـد امـروزه سیاست که عاملی مهم در ژئوپلیتیک بوده، جای خـود را به اقتصـاد داده اسـت *(نـامی و همکـاران، ۱۳۸۸: ۴۳)* (نمودار ۲).

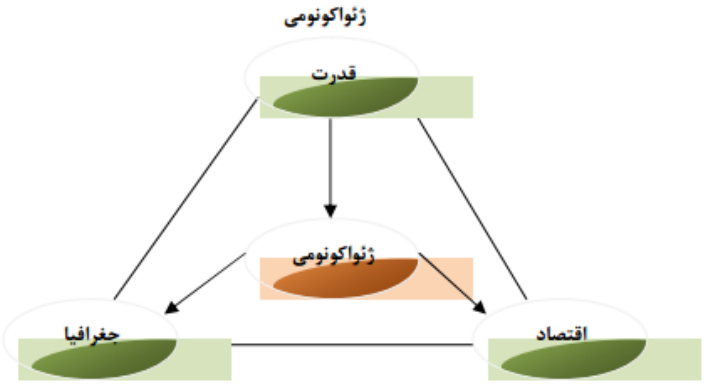

نمودار ۲: ارتباط بین مؤلفه‌های تأثیرگذار در ایجاد ژئواکونومی در یک منطقه
مأخذ: معصومی و همکاران، ۱۳۹۲

اینک باید گفت با ظهور عصر ژئواکونومی، کانون‌ها و مسیرهای تجاری بیش از گذشته مورد توجه کشـورها قرار گرفته است. در واقع هرزمان رقابت میـان قدرت‌ها در نظام جهانی، موضوع برداشتن مرزهای اقتصـادی باشـد، صـحبت از ژئواکونومی اسـت. در واقع این قدرت‌ها هستند که سیاست‌های اقتصادی را در فضای نظام جهانی اعمال و رهبری می‌کنند و این فرایند سبب گردیده تا ژئواکونومی بـه عنـوان پدیده‌ای سیال و جهت پوشش دادن به فضای جدید رقابتی در نظام جهانی و روشـی برای توجیه و تحلیل سیاست‌های‌جهانی اکثر قدرت‌های غربی تبدیل گردد.

از این منظر کریدور شمال/ جنوب، هم در سطح بین‌المللی و هم داخلی که از یکسو، راهرو بین‌المللی شمال/ جنوب شامل اروپا، اسکاندیناوی و روسیه از طریق ایران با کشورهای حوزه اقیانوس هند و جنوب شرقی آسیا و از دیگرسو، راهـرو داخلـی شـمال ایران که سرخس را به چابهار متصل می‌کنـد، حکایـت از اهمیـت یـافتن فوق‌العاده‌ی شرق ایران در فضـای کنـونی ژئوپلیتیـک و ژئواسـتراتژیک جهـانی دارد.

بنابراین طراحی سیاست داخلی/ خارجی کارآمد در جنوب‌شرق کشور به منظور فراهم آوردن زمینه‌های توسعه‌ی پایدار در شرق کشور در گرو اهمیت یافتن مقوله‌ی توسعه‌ی‌پایدار و نیز رفع دشواری‌های سیاسی بزرگ جهانی است *(خلیلی و همکاران، ۱۳۹۰: ۸۷-۸۴)*.

اینک وجود مبادلات و پیوندهای فضایی دو سوی مناطق مرزی جنوب شرق کشور به ویژه استان سیستان و بلوچستان، علاوه بر ایجاد یک موقعیت مثبت ژئواکونومیکی برای منطقه، اهمیت ویژه‌ای را در فرآیند توسعه و برنامه‌ریزی آمایش سرزمینی کشور داشته و دارد. اقتصاد مناطق مرزی جنوب شرق کشور که در چارچوب روابط با مناطق آن سوی مرز و با شکل‌گیری و احداث منطقه آزاد تجاری- صنعتی چابهار، منطقه ویژه اقتصادی سیستان و بازارچه‌های مرزی شکل گرفته می‌بایست گسترش یابد، تا نقشی اساسی در پیشرفت و توسعه‌ی اقتصادی سیستان و بلوچستان داشته و به عنوان یک مؤلفه‌ی مهم ژئواکونومیک، تأثیر بر ساماندهی مؤلفه‌های ژئوپلیتیکی جنوب شرق کشور و همچنین کاهش دوگانگی‌های منطقه‌ای نیز بیش از پیش تأثیرگذار باشد.

مواد و روش‌ها

با توجه به ماهیت موضوع و مؤلفه‌های مورد بررسی، رویکرد حاکم برای این پژوهش توصیفی- تحلیلی است که درآن به مطالعه‌ی اسناد و اطلاعات، نظرات کارشناسان، متخصصین و مشاورین در رابطه با مسائل ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی در تحقق آمایش سرزمینی و توسعه‌ی متعادل ناحیه‌ی جنوب شرق کشور با تأکید بر استان سیستان و بلوچستان پرداخته شده است. ابزار گردآوری اطلاعات، مطالعه اسناد و مدارک و داده‌های سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن در شاخص‌های مختلف می‌باشد. حجم نمونه ۸۵ نفر از کارشناسان و متخصصان است که بر اساس روش نمونه‌گیری تصادفی و سیستماتیک انجام شده است. هدف اصلی این پژوهش، بررسی عوامل ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی استان سیستان‌وبلوچستان در تحقق آمایش سرزمین و توسعه‌ی متعادل است که برای دستیابی به این هدف، شاخص‌های تأثیرگذار مورد بررسی قرار می‌گیرد. شاخص‌های بررسی ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک استان، شامل ۲۲ شاخص اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی بوده است. برای بررسی میزان تأثیرگذاری هر یک از شاخص‌ها در تحقق‌پذیری و عدم تحقق‌پذیری آمایش سرزمینی و توسعه‌ی متعادل استان سیستان و بلوچستان از مدل‌های تحلیل مسیر و تحلیل شبکه (ANP) استفاده شده است.

محدوده‌ی مورد مطالعه

گرچه ناحیه‌ی جنوب شرق کشور شامل استان‌های سیستان و بلوچستان، کرمان و هرمزگان است و این ناحیه دارای جمعیّتی بالغ بر ۷۰۵۱۵۸۳ نفر می‌باشد که به ترتیب به میزان ۲۵۳۴۳۲۷، ۲۹۳۸۹۸۸ و ۱۵۷۸۲۶۸ نفر در سه استان سیستان و بلوچستان، کرمان و هرمزگان در ناحیه جنوب شرق توزیع شده‌اند و در عین حال این ناحیه به عنوان بزرگترین ناحیه کشور می‌باشد که دارای مساحتی بالغ بر ۴۳۳۲۰۸ هزار کیلومتر مربع از مساحت استان‌های کشور را به خود اختصاص داده است. با این وجود با توجه به گستردگی موضوع وگستره‌ی فضایی جنوب شرق کشور، این پژوهش از میان این سه استان، صرفاً بر روی استان سیستان و بلوچستان متمرکز شده است (نقشه۱).

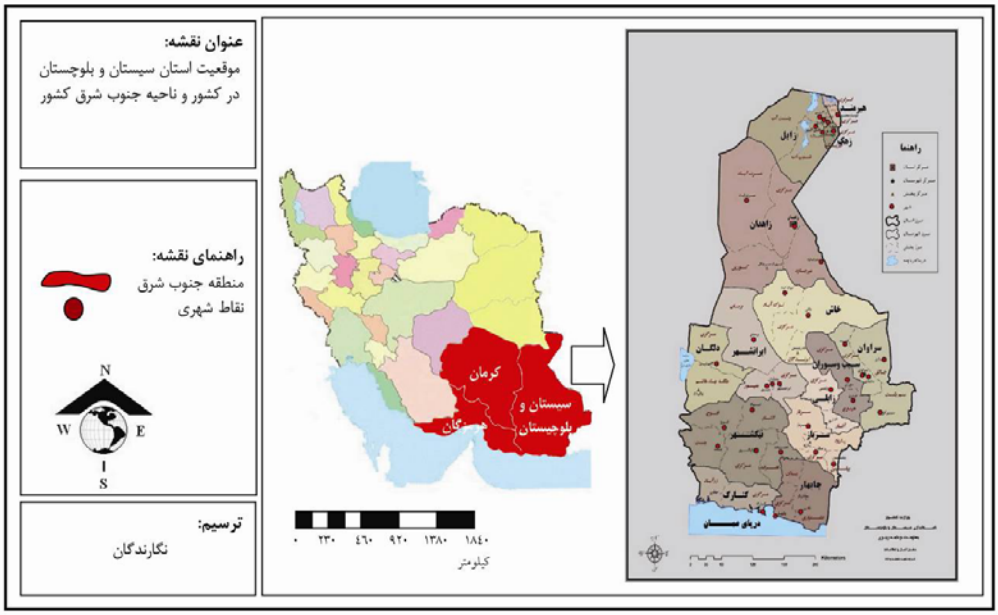

نقشه‌ی ۱: محدوده‌ی مورد مطالعه

مأخذ: مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰

یافته‌های تحقیق

وضعیت ژئواکونومیکی استان سیستان‌و بلوچستان و تحلیل آن

در گذشته محل کنونی شهر زاهدان مرکز اتراق و بارانداز کاروان‌های شتر منطقه‌ی بلوچستان در مسیر رفت و برگشت به سیستان، بلوچستان، هند و نقاط دیگر محسوب می‌شده و اکثر مراکز شهری کنونی نیز در قدیم محل داد و ستد بوده که از آنجا توسط پیله‌وران و تجار مال‌التجاره‌ها به نقاط دیگر کشور حمل می‌شده و به فروش می‌رسیده است. امروزه استان سیستان و بلوچستان دارای دو ساختار فضایی متفاوت شهرهای مرزی و غیرمرزی می‌باشد که هر یک از این دو دارای پتانسیل‌های ژئواکونومیکی متفاوتی می‌باشند. بطوری‌که با وجود تفاوت‌ها و اختلاف در کارکردها، همه این عوامل در کنار هم و در روابط متقابل با هم می‌توانند زمینه‌های توسعه‌یافتگی استان را فراهم کنند. از سویی مناطق مرزی استان به جهت نزدیکی به مرز و توسعه‌ی روابط با کشورهای همسایه قابلیت‌های ژئواکونومیکی زیادی در قالب ایجاد و رونق بازارچه‌های مرزی دارند. بطور کلی شهرهای مناطق مرزی این استان دارای یک رابطه خطی با هم می‌باشند که متناسب با فاصله‌ی آنها از مرز، در زمینه‌ی ایجاد فعالیّت‌های اقتصادی تلاش می‌کنند. شهرهای عمده‌ی مرزی منطقه به ترتیب نزدیکی به خط صفر مرزی عبارتند از: دوست‌محمد۱ کیلومتر، زهک و میرجاوه هر کدام ۲ کیلومتر - پیشین ۸ کیلومتر- جالق ۱۲ کیلومتر - زاهدان ۲۸ کیلومتر- محمدی ۴۱ کیلومتر- سراوان ۴۵ کیلومتر- راسک ۴۶ کیلومتر- نگور ۵۲ کیلومتر - سیرکان ۵۴ کیلومتر- هیدوچ ۷۰ کیلومتر - سرباز ۷۵ کیلومتر- سوران ۷۷ کیلومتر- خاش ۷۸ کیلومتر - گشت ۸۶ کیلومتر- زابلی۹۰ کیلومتر- نوک‌آباد ۹۱ کیلومتر (نقشه ۳) *(جندقیان، ۱۳۹۱: ۳۴۱)*. وجود این شهرهای

مرزی و سایر پارامترهای مثبت در این استان دولت‌مردان را در بعد از پیروزی انقلاب اسلامی برآن داشت که به منظور رفع محرومیت استان و ایجاد اشتغال برای مرزنشینان با محوریت قرار دادن منابع بازرگانی و تجاری استان در مصوبه‌ی توسعه‌ی محور شرق به جنبه‌های بازرگانی و تجاری اهمیت داده و با ایجاد بازارچه‌های مرزی و تأسیس منطقه‌ی ویژه تجاری صنعتی چابهار گام‌های اساسی برای توسعه‌ی پایدار استان بردارند. بر همین اساس بازارچه‌های مرزی پیشین، میرجاوه و کوهک در سال ۷۱ به تصویب هیئت دولت رسید و بازارچه‌ی مرزی میلک در شهرستان زابل نیز با لحاظ شرایط حاکم بر افغانستان به تصویب دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی رسید و هم‌اکنون این استان دارای ۸ بازارچه‌ی مرزی است. وجود راه‌آهن زاهدان و پاکستان و قرار گرفتن این استان در محور ارتباطی اکو و وجود زمینه‌های مناسب جهت صدور کالا و خدمات بخصوص ترانزیت از دیگر قابلیت‌های ژئواکونومیکی این استان بود که در طرح توسعه‌ی محور شرق به آن پرداخته شده است *(ابراهیم‌زاده و همکاران، ۱۳۹۱: ۲۵-۲۴)*. اصولاً در صورت برنامه‌ریزی جامع و با وجود بازارچه‌های مرزی در این استان (نقشه ۲) و در نتیجه مبادلات مرزی و صدور محصولات تولیدی از طریق این بازارچه‌ها، نه تنها مشکلات معیشتی مرزنشینان حل می‌شود بلکه سرمایه‌ای نیز برای ورود به عرصه‌های بزرگ اقتصادی به دست می‌آید که این سرمایه‌ها را می‌توان در تقویت و گسترش توسعه‌ی سرزمینی به کار گرفت و موجبات تعادل منطقه‌ای در استان را فراهم نمود؛ البته این مهم تاکنون آنطور که باید تحقق‌نیافته و هنوز جای کار فراوان دارد. زیرا گرچه از مجموع ۵۲ بازارچه مصوب در سطح کشور، ۹ بازارچه و از مجموع ۲۸ بازارچه فعال آن، ۷ بازارچه فعال متعلق به استان سیستان و بلوچستان بوده که از این حیث دارای بالاترین تعداد بازارچه‌های مصوب و فعال در میان استان‌های مرزی کشور می‌باشد. لیکن از مجموع ۹ بازارچه مصوب استان، تاکنون ۷ بازارچه فعال گردیده که از میان آنها ۲ بازارچه در مجاورت مرز مشترک با افغانستان و ۵ بازارچه دیگر در مجاورت مرزهای مشترک ایران و پاکستان قرار دارند و نیاز به برنامه‌ریزی فراگیر بازارچه‌های مرزی کماکان بیش از پیش در این استان ضروری است.

نقشه ۲: موقعیت بازارچه‌های مرزی استان سیستان و بلوچستان

تهیه و ترسیم : نگارندگان، ۱۳۹۳

نقشه ۳: ارتباط خطی شهرهای مرزی از شمال به جنوب

تهیه و ترسیم : نگارندگان، ۱۳۹۳

بطور کلی وجود بندر چابهار به عنوان یکی از بسترهای تأثیرگذار در توسعه‌ی محور شرق، کشورمان را از ناحیه‌ی جنوب شرقی حائز اهیمت کرده است (نقشه ۴). بطوری که بندر چابهار در میان بنادر کشور محمل بسیار مناسبی برای مبادلات گوناگون با کشورهای مختلف می‌باشد. از آنجا که کلید توسعه‌ی هر منطقه، گسترش راه‌های مواصلاتی آن قلمداد می‌شود بر این اساس جهت ترسیم افقی روشن برای محور شرق کشور، چاره‌ای جز تلاش در جهت بسط و توسعه‌ی محورهای مواصلاتی منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای ندارد. از سویی دیگر نقش چابهار در توسعه‌ی استان‌های سیستان و بلوچستان و خراسان جنوبی، رضوی و شمالی را نمی‌توان نادیده گرفت. زیرا ۱۳ درصد جمعیّت، ۳۰ درصد وسعت، ۴/۵ درصد اشتغال صنعتی و ۱۷/۱ درصد فعالیّت‌های کشاورزی کشور در این استان‌های شرقی متمرکز است. در این بین استقرار صنایع انرژی بر در این منطقه می‌تواند باعث توجه بیشتر به اهمیت زیرساخت‌ها از حیث ترانزیت کالا و نقش برجسته بندر چابهار باشد که این امر خود باعث رشد و توسعه‌ی محور شرق می‌گردد. بی‌شک با فعال شدن محور شرق ظرفیت‌های بالقوه و بالفعلی که در مسیر این محور قرار دارند از جمله مناطق ویژه، مناطق صنعتی معدنی، بازارچه‌های مرزی، گمرکات استان نیز فعال خواهند شد و یا در مسیر بهره‌برداری قرار خواهند گرفت.

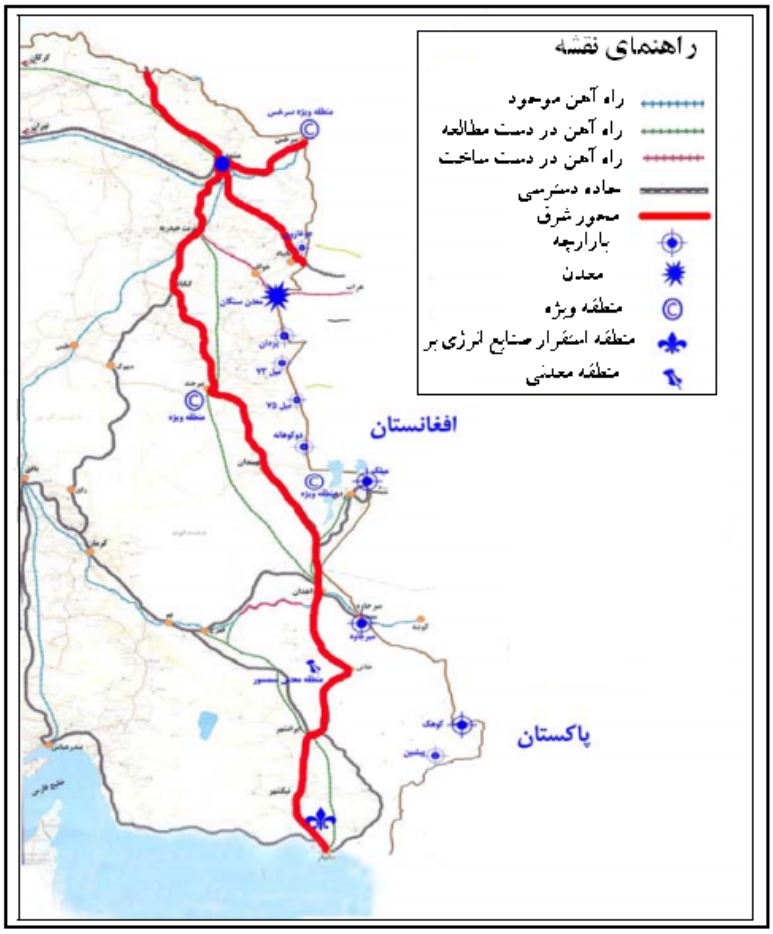

نقشه ۴: توسعه‌ی محور شرق

مأخذ: سپهری‌راد و همکاران، ۱۳۹۱

از دیگر قابلیت‌های ژئواکونومیکی مناطق مرزی این منطقه می‌توان به منطقه‌ی ویژه اقتصادی زابل، ظرفیت‌های بالقوه و بالفعل معدنی سیستان و بلوچستان، استفاده از ظرفیت‌های رقابتی بندر چابهار برای توسعه، به عنوان ایجاد قطب جدید توسعه اشاره کرد *(سپهری‌راد و همکاران، ۱۳۹۱: ۵۶۳-۵۶۲)*. در این میان بندر چابهار دارای توانمندی‌های زیادی مانند خارج بودن از تنگه هرمز بودن، نزدیکترین بندر کل منطقه به آب‌های بین‌المللی، جنوبی‌ترین نقطه‌ی عبور کریدور شرق و غرب در جهان، مهمترین مسیر اقتصادی ترانزیت کالا به افغانستان و آسیای مرکزی، اتصال به پیکره‌ی سرزمینی، تنها بندر اقیانوسی ایران، دسترسی به آب‌های عمیق، فاصله‌ی اندک زمانی با بازارهای مصرف می‌باشد. علاوه بر موارد فوق، با مبنا قرار دادن برخی از مؤلفه‌های توسعه‌ی ژئواکونومیکی مناطق مرزی استان سیستان و بلوچستان مانند دسترسی به منابع انرژی گاز، وجود پهنه‌های قابل بارگذاری صنعتی، امکان دسترسی به برق صنعتی، نزدیکی و یا سهولت دسترسی به مواد اولیه، وجود آب کافی جهت مصارف صنعتی، دسترسی به بنادر،

نزدیکی به مراکز عمده مصرف داخلی، دسترسی و نزدیکی به بازار مصرف خارجی، وجود نیروی انسانی توانمند، می‌توان گفت که در بین استان‌های شرق و جنوب شرق کشور، وسیع‌ترین پهنه‌های مناسب از نظر زیست‌محیطی متعلق به استان سیستان و بلوچستان است. از نظر تعداد پهنه‌های مناسب نیز که جمعاً بالغ بر ۷۹ پهنه در شش استان شرقی و جنوبی است، بیشترین تعداد به استان سیستان و بلوچستان تعلق دارد که بیانگر قابلیت بالای مؤلفه‌های ژئواکونومیکی در منطقه می‌باشد و می‌توانند سایر عوامل و مؤلفه‌های توسعه‌یافتگی مناطق را تحت تأثیر قرار دهد *(سپهری‌راد و همکاران، ۱۳۹۱: ۵۵۹)*. علاوه بر این، مجاورت مناطق مرزی استان سیستان و بلوچستان با حوزه‌ی خلیج‌فارس و دریایی عمان و البته اقیانوس هند می‌تواند ظرفیت‌های ترانزیتی و اقتصادی این استان را از حالت بالقوه به بالفعل تبدیل کند و یک منطقه‌ی ترانزیتی جدید و جدی در جنوب شرق ایران بیافریند که این امر می‌تواند بر استراتژی‌های کلان ایران در سطح منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای تأثیرگذار باشد. زیرا در مناسبات ژئوپولیتیک قدرت‌های جهانی، قدرتی توان اثرگذاری عمیق‌تری در مناسبات بین‌الملل خواهد داشت که برکانون‌های تولید و مسیر آن‌ها چیرگی داشته باشد. از سویی با اتکا به این‌که بندر کنارک در نزدیکی چابهار یکی از فعال‌ترین شهرک‌های تجاری و بندرهای صیادی کشور محسوب می‌شود، می‌تواند اهمیت زیادی از لحاظ اقتصادی در منطقه‌ی جنوب شرق داشته باشد؛ البته این توسعه در گرو امنیت مرزها است که تحقق پذیرفته و منجر به افزایش داد و ستد بین ممالک گردد. منطقه‌ی کنارک- چابهار به عنوان یکی از دروازه‌های توسعه‌ی پایدار کشور می‌تواند منجر شود که ایران بتواند در نقش محوری خود را در دریای عمان و شبه قاره هند بازیابی کند *(صدری و همکاران، ۱۳۹۱: ۷۸۰)*.

تحلیل‌وضعیت‌ژئوپلیتیکی‌استان سیستان‌وبلوچستان

اصولاً مرزها از نظر سیاسی جزء پدیده‌های پویایی هستند که با در نظر گرفتن کارکرد آنها، می‌تواند پیامدهای ژئوپلیتیکی متفاوت برای مناطق مرزی داشته باشند *(جوادیان و همکاران، ۱۳۹۱: ۶۸۷)*. از آن جایی که درون‌مایه ژئوپلیتیک از عناصر ثابت و متغیّری تشکیل شده است که کمتر پویا و بیشتر ثابت هستند *(پورطالب و همکاران، ۱۳۹۱: ۵۴۴)*، مانند موقعیت جغرافیایی، وسعت و فضا، وضع توپوگرافی (مرزها، شبکه آب‌ها، ناهمواری‌ها)، به عنوان عوامل متغیّر و جمعیّت، منابع طبیعی (منابع غذایی، منابع معدنی)، نهادهای سیاسی و اجتماعی، ویژگی‌های نظام بین‌الملل به عنوان عوامل متغیّر *(پیشگاهی‌فرد و همکاران، ۱۳۹۱: ۳۳۰)*. گرچه مناطق تنها با بر عهده گرفتن برخی از رفتارها و کردارها می‌توانند بر محدودیت‌های برآمده از پیامدهای ژئوپلیتیکی چیره شوند *(پورطالب و همکاران، ۱۳۹۱: ۵۴۴)*.

یکی از مهمترین کاردکردهای مرزها، کارکرد اجتماعی است که در چارچوب قومیّت‌ها در دو سوی مرزها می‌باشند. در جنوب شرق ایران به واسطه‌ی موقعیت جغرافیایی خاص آن، حاشیه‌ای و مرزی بودن و ویژگی‌های جغرافیای انسانی و سیاسی آن، از گذشته پتانسیل واگرایی فراهم بوده است که وجود گسل‌های قومی، زبانی، مذهبی و توسعه‌ای جنوب شرق از جمله این پتانسیل‌های واگرایی بوده است. واقعیت‌ها نشان‌دهنده‌ی نقش برجسته شکاف‌های مذهبی- قومی در پیدایش درگیری‌ها است و شکاف قومی و زبانی به گونه‌ای گریزناپذیر، می‌تواند دشواری‌ها و مسائل

پیچیده‌ای برای یکپارچگی سیاسی و برقراری نظم سیاسی و ثبات پایدار پدید آورد؛ بویژه در مواردی که نهادها و سازمان‌های رسمی سیاسی در امتداد خطوط شکاف قومی، مذهبی، زبانی یا نژادی گسترش یافته باشند. بلوچستان ایران و پاکستان در سه عنصر مذهب، زبان و قومیّت با یکدیگر تجانس دارند. ترکیب این سه متغیّر همسو، بر همگرایی دو بخش بلوچ نشین پاکستان و ایران تأثیر گذاشته و آرمان سیاسی بلوچستان بزرگ را در قالب تلاش برخی نخبگان بلوچ برای کسب هویّت مستقل سیاسی "بلوچستان آزاد" پدید آورده است.

در قرن اخیر، منطقه بلوچستان همانند دیگر مناطق حاشیه‌ای بحران‌خیز، گاهی عرصه فعالیّت‌های سیاسی بوده است. این استان نیز در سه عنصر مذهب، زبان و قومیّت متفاوت از سایر نقاط مرکزی است و جزو منطقه‌ی بحرانی بالقوه درجه ۲ محسوب می‌شود *(Ebrahimzadeh & Sahraei, 2012: 32-33)*، در این استان دو ناحیه ژئوکالچرال دیده می‌شود. ژئوکالچرال سیستان که بخش‌های شمالی استان سیستان و بلوچستان با مرکزیت زابل را تشکیل می‌دهد و ژئوکالچرال بلوچستان که تصور عمومی از آن با قاچاق مواد مخدر، فقر، خشکسالی و ناامنی پیوند خورده است *(راستی، ۱۳۹۱: ۴۹۲)*. بر این اساس می‌توان از ژئوپلیتیک قومیّت و شکل‌گیری ناسیونالیسم قومی به عنوان عوامل تأثیرگذار در روندها و فرآیندهای توسعه‌ی ژئواکونومیکی منطقه‌ی جنوب شرق کشور نام برد که در صورت عدم کنترل و مهار آن، با یک ارتباط متقابل و پیچیده می‌تواند زمینه‌های ناامنی در منطقه و شکل‌گیری گروهای مذهبی مخالف در منطقه را فراهم کند که این عوامل تأثیرات منفی بر روی رشد و توسعه‌ی اقتصادی منطقه خواهد گذاشت.

ژئوپلیتیک قومی با آمایش سرزمین منطقه پیوند دارد و مؤلفه‌های آن مانند شکاف‌های قومی و مذهبی و غیره تحت تأثیر عوامل درون‌منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای است. بطوری‌که پیامدهای منفی ژئوپلیتیک قومیّت تأثیرات خود را بر روی ژئوپلتیک مذهبی نیز خواهد گذاشت و منجر به عدم تحقق‌پذیری پتانسیل‌های ژئواکونومیکی استان خواهد شد که در صورت تداوم این امر، اهداف آمایش سرزمینی استان جهت کاهش دوگانگی‌های منطقه‌ای، تحقق نخواهد یافت و روزبه‌روز شکاف مرکز و پیرامون در نظام شهری کشور و منطقه بیشتر و بیشتر خواهد شد (نمودار۳). یکی از مؤلفه‌هایی که تأثیر مستقیم در شکل‌گیری بحران‌ها و تنش‌های قومی در استان سیستان و بلوچستان دارد، حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای در یک منطقه با توجه به شرایط حساس آن منطقه معمولاً زمینه‌ساز ناامنی خواهد بود. همکاری این قدرت‌ها با برخی از کشورهای منطقه و خصومت با برخی دیگر زمینه تضاد و ناامنی را فراهم می‌سازد. برای مثال، حضور نظامی آمریکا در افغانستان و پاکستان و پیامدهای ناخوشایند این حضور برای کشورهای این منطقه، ناامنی و بی‌ثباتی را به ارمغان آورده است. گسترش یا کاهش روابط این کشورها با ایالات‌متحده آمریکا برای ایران تأثیر مستقیم داشته و می‌تواند اثرات جدی بر امنیت ملّی و تمامیت ارضی ایران بویژه در جنوب شرق‌کشورمان داشته باشد و ایران را در محاصره‌ی کامل آمریکا از طرف مرزهای جنوب شرقی و شرقی قرار دهد *(احمدی‌پور و همکاران، ۱۳۹۰: ۳۲)*.

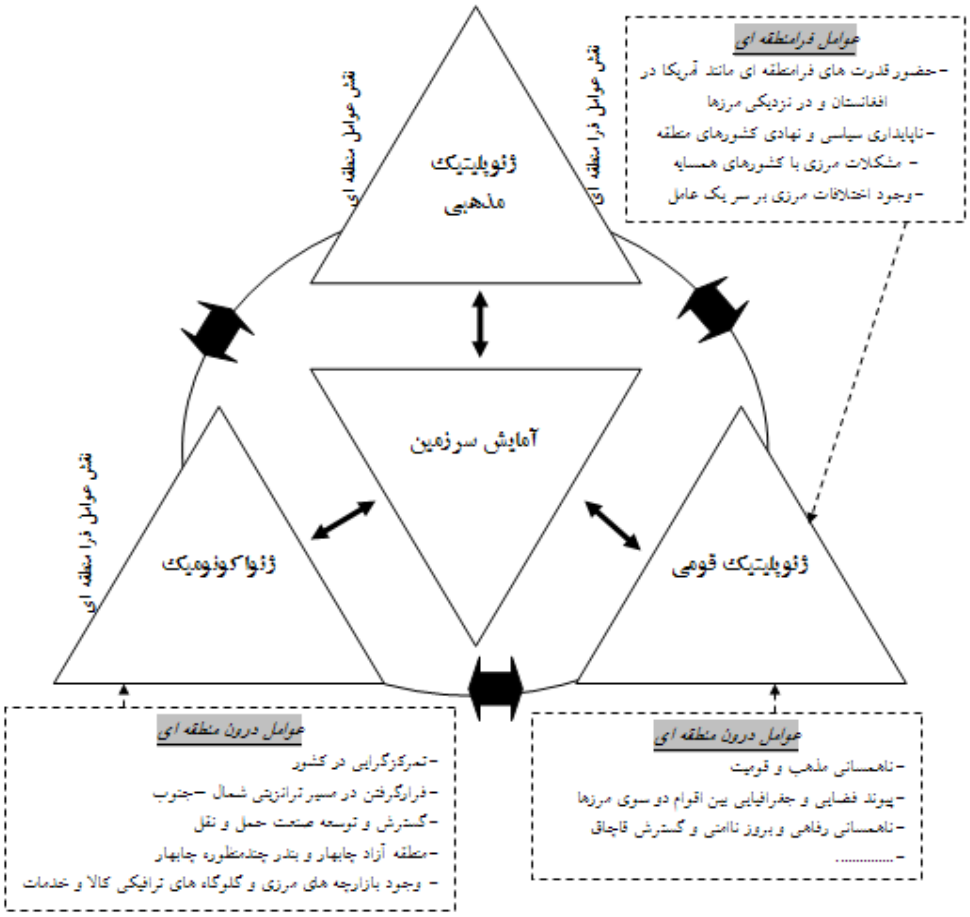

نمودار ۳: مؤلفه‌های تأثیرگذار در آمایش سرزمین استان سیستان و بلوچستان

تهیه و ترسیم : نگارندگان، ۱۳۹۳

ظرفیت‌ها و محدویت‌های توسعه در جنوب شرق با تأکید بر استان سیستان و بلوچستان

در بررسی موضوع توسعه‌ی محور شرق، مداقه در مطالعات آمایش سرزمین، زوایای دیگری از مسأله را روشن خواهد کرد. بر اساس نتایج حاصل از این بررسی‌ها، تحلیل سازمان فضایی کشور، عدم تعادل‌های وسیع در سطح و میزان توسعه‌یافتگی مناطق و نواحی مختلف ایران را نشان می‌دهد. وجه بارز و شاخص این عدم تعادل، نابرابری کلان موجود بین شرق و غرب سرزمین می‌باشد. حدود ۹۰٪ از جمعیّت کشور در نیمه‌ی غربی و بخشی از شمال شرقی کشور که حدود ۴۵٪ از وسعت سرزمین را شامل می‌شود،سکونت دارند و فقط ۱۰٪ جمعیّت در نیمه‌ی شرقی و بخش عمده‌ای از سواحل جنوبی کشور که ۵۵٪ ایران را شامل می‌شود، زندگی می‌کنند. توزیع فعالیّت‌ها و امکانات و شبکه‌های زیربنایی و خدماتی نیز در این دو منطقه، حاکی از وجود همان عدم تعادل گسترده است. قابل توجه آن که حدود ۷۰٪ از طول مرزهای آبی جنوبی کشور و همچنین حدود ۷۰٪ از ذخایر استراتژیک معدنی، در همین نیمه‌ی شرقی کمتر توسعه نیافته‌ی کشور قرار دارد *(دفتر آمایش، ۱۳۸۳: ۱۴۳)* (نقشه ۵).

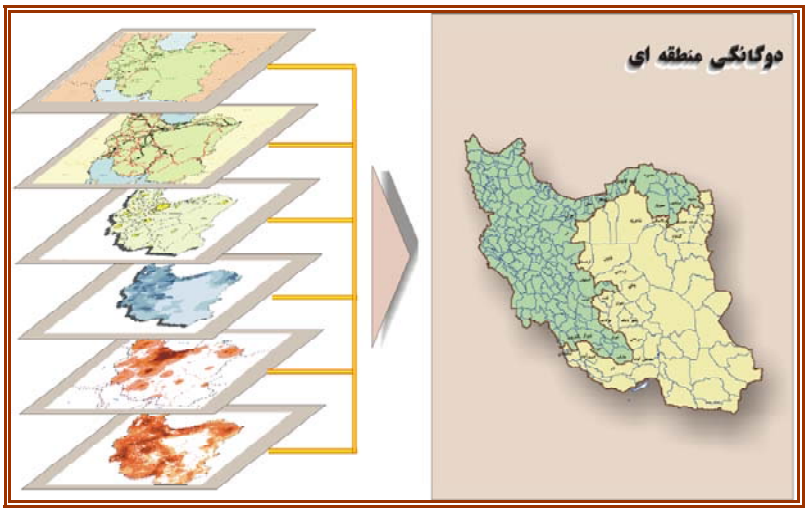

نقشه ۵: دوگانگی توسعه نیمه‌ی شرقی و نیمه‌ی غربی ایران

مأخذ: ابراهیم‌زاده، ۱۳۸۹

هر چند خاستگاه اصلی این عدم تعادل را باید در وضعیت طبیعی و جغرافیایی متفاوت این دو کلان-منطقه جستجو کرد اما، سیاست‌ها و راهبردهای ارادی چه در سطح ملی و چه درسطح منطقه‌ای و بین‌المللی، در ایجاد و یا تشدید این عدم تعادل‌ها، نقش بسزایی داشته است.

انتخاب ارادی قطب‌های رشد،سیاست‌های وارداتی و صادراتی، ایجاد و تجهیز شبکه‌های زیربنایی و اتکای اصلی به منابع نفت، موجب مغفول ماندن قابلیت‌های ارزشمند مناطق شرقی کشور، از دید تصمیم‌گیران ملّی شده است. به‌هر صورت آنچه واقعیت دارد، نابرابری‌های کلان موجود بین شرق و غرب کشور است که آشکارا، نوعی دوگانگی در امر توسعه را موجب شده است. بنابراین، افزایش جمعیّت و فعالیّت‌های اقتصادی در نیمه‌ی شرقی کشور، متناسب با قابلیت‌ها و مزیّت‌های این‌منطقه،یکی از راهبردهای‌اساسی آمایش- سرزمینی تلقی می‌شود *(دفتر آمایش، ۱۳۸۳: ۱۴۳-۴)* (نقشه ۶).

در بُعد داخلی، استان سیستان و بلوچستان و استان خراسان جنوبی در سازمان فضایی کشور، موقعیت حاشیه‌ای دارند که باعث‌انزوا و عقب‌افتادگی این‌مناطق شده است. با لحاظ موقعیت ژئوپلیتیک این منطقه و در جهت دگرگونی ساختاری در این استان‌ها، می‌توان توسعه‌ی ترانزیت و تقویت نقش بازرگانی منطقه در سطح کشور را مورد تأکید قرار داد.

ویژگی این ناحیه، ارتباطی بودن آن است و در سطح ملی، گلوگاه بسیار مهمی برای نجات اقتصاد ملی از تنگناست.اقتصاد کشور در بُعد حمل و نقل، مشکلات فراوانی دارد و سازمان‌فضایی به گونه‌ای است که جهت جابجایی کالاها و مواد، به سوی خلیج‌فارس و تنگه‌ی هرمز است. ایران، وابستگی شدیدی به تنگه هرمز دارد و این مسأله، وضعیت تهدیدآمیزی برای کشور به‌وجود آورده است. برای خروج از این وابستگی، می‌توان بخشی از نقل‌وانتقال کالا و ارتباط ایران با آب‌های آزاد را، به‌سمت چابهار، سوق داد *(دفتر آمایش، ۱۳۸۳: ۱۴۳)*.

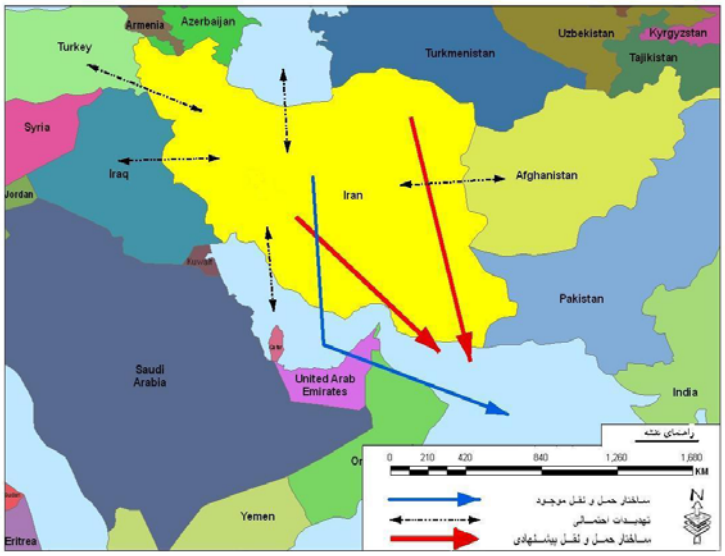

نقشه ۶ : ساختار مسیرهای ارتباطی خارجی موجود و پیشنهادی در ایران

مأخذ: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، ۱۳۸۳

در بُعد خارجی، همجواری این منطقه از کشور با آب‌های آزاد بین‌المللی، در تمام مرزهای جنوبی آن بارورسازی قابلیت‌های ترانزیتی و توسعه‌ی این‌قابلیت‌ها تا سطح استانداردهای بین‌المللی را، به عنوان یک راهبرد اساسی در جهت دستیابی به تعادل‌های ملی و منطقه‌ای، مطرح می‌نماید؛ زیربناهای نسبتاً آماده‌ی منطقه‌ی آزاد چابهار و محور اصلی ارتباطات جاده‌ای شمالی- جنوبی، با مبدا این شهر که بعد از عبور از شهرهای ایرانشهر، خاش و زاهدان، دسترسی به مرز میلک‌زابل را برای ارتباط با کشورافغانستان و همچنین، ادامه‌ی این محور اصلی تا استان‌های خراسان و ارتباط با مناطق شمالی کشور افغانستان، از طریق نقاط مرزی نظیر دوغارون و کشورهای آسیایی مرکزی را، از طریق نقاط مرزی سرخس، باجگیران و لطف‌آباد (و نیز از طریق افغانستان) امکان‌پذیر می‌سازد. بنابراین،توسعه‌ی فعالیّت‌های ترانزیتی از مبداء چابهار و مقاصد کشورهای افغانستان و پنج کشور آسیای مرکزی (و قفقاز و نیز اروپا در مراحل بعد)، به عنوان یک الزام توسعه‌ی ملّی و منطقه‌ای، باید مورد توجه قرار گیرد *(دفتر آمایش، ۱۳۸۳: ۷-۱۴۴ و ۱۲۶)*.

بهسازی و تجهیز محور شرقی کریدور شمال-جنوب و نیز ارتباطات کریدور شرق- غرب، از منطقه‌ی آزاد چابهار تا مبادی خروجی غربی و شمال غربی کشور و همچنین تقویت تجهیزات و امکانات حمل و نقل کالا، باعث تقویت نقش فراملی کشور و بهره‌برداری از موقعیت منطقه‌ی آزاد چابهار و پیوند با فضاهای دیگر و خروج از انزوا در سطح منطقه خواهد شد. تحولات گسترده‌ی جهانی در دهه‌ی انتهایی قرن بیستم و شکل‌گیری جمهوری‌های جدید در آسیای-مرکزی و قفقاز و نیز سقوط طالبان درافغانستان به دقت، درستی نتایج حاصل از مطالعات فوق را اثبات کرد و افزون بر آن ظرفیت‌های نوینی برای تعامل محور شرق با آسیای مرکزی و افغانستان خلق کرد و بر اهمیت و استراتژیک‌بودن این محور و بندر اقیانوسی چابهار، به مراتب افزود *(نصیری، ۱۳۸۸: ۱۴۸- ۱۴۶)*.

بررسی و تحلیل تأثیر عوامل ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی بر آمایش سرزمین استان سیستان و بلوچستان

جهت بررسی تأثیرات عوامل منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی استان سیستان‌وبلوچستان بر روی آمایش سرزمینی منطقه، از متغیّرهای مختلفی استفاده شده است که این متغیّرها در قالب سؤالات باز در اختیار کارشناسان قرار گرفته‌اند و بر اساس طیف لیکرت و وزن‌دهی از طریق مدل تحلیل شبکه (ANP)، به بررسی روابط متغیّرها با یکدیگر بر اساس تحلیل مسیر و آزمون‌های استنباطی رگرسیون چند متغیّره و تحلیل واریانس پرداخته شده است. مؤلفه‌های تحقیق جدول زیر تهیه و تدوین گردیده‌اند.

جدول ۲: شاخص‌های مورد بررسی در هر یک از مؤلفه‌های ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی

مؤلفه‌ها	شاخص‌ها
مؤلفه‌های ژئوپلیتیکی	۱- ظهور گرایش‌های سیاسی محلی‌گرا؛ ۲- ایجاد ناسیونالیسم قومی و اختلافات زبانی؛ ۳- موقعیت مرزی اقوام در استان؛ ۴- تنش‌های فرقه‌ای توسط گروه‌ها؛ ۵- گسترش روابط اقوام مناطق مرزی با اقوام هم کیش در کشورهای همسایه؛ ۶- مجاورت با محور قاچاق مواد مخدر و کالا در مناطق مرزی؛ ۷- ساختار اجتماعی منطقه که مبتنی بر جوامع عشیره‌ای است؛ ۸- افزایش مطبوعات محلی با گویش قومی و ترویج تفکر گریز از مرکز؛ ۹- تحریک بیگانگان و دخالت مستقیم آنها در مباحث اقوام؛ ۱۰- استفاده از ظرفیت قومیّت‌ها جهت گسترش ناامنی در منطقه؛ تبلیغات کاذب و تحریک اقوام با مسائلی چون عدم مشارکت آنها در ساختار فضایی قدرت در منطقه؛ ۱۱- مشکلات مرزی با کشورهای همسایه بر سر مسائل هیدروپولیتیکی؛ ۱۲- ناپایداری سیاسی و نهادی کشورهای همسایه.
مؤلفه‌های ژئواکونومیکی	۱۳- قابلیت ترانزیتی استان به دلیل وجود مرز و مناطق مرزی؛ ۱۴- سرمایه گذاری عظیم چینی‌ها در بندر گوادر پاکستان به عنوا رقیب بندر چابهار؛ ۱۵- دارا بودن پهنه‌های وسیع در استان با قابلیت توسعه‌ی صنایع انرژی بر؛ ۱۶- وجود بازارچه‌های مرزی و مناطق آزاد تجاری در منطقه؛ ۱۷- احداث راه ترانزیتی در طرح توسعه‌ی محور شرق؛ ۱۸- وجود فرودگاه بین المللی زاهدان و چابهار؛ ۱۹- عدم سرمایه گذاری خارجی در بخش‌های مختلف اقتصادی؛۲۰- قابلیت‌های موجود در بندر کنارک به عنوان گلوگاه بندری و گمرکی استان؛ ۲۱- امکانات بالقوه معدنی در استان؛ ۲۲- وجود سواحل مکران و فضای بسیار مناسب موجود در این منطقه برای ایجاد بنادر، مناطق آزاد تجاری و صنعتی با هدف دسترسی کشورهای محصور در خشکی در آسیای مرکزی و قفقاز و نقش بسیار مؤثر ترانزیتی این منطقه.

مأخذ: مطالعات میدانی نگارندگان، ۱۳۹۳

مدل تحلیلی و ارزیابی متغیّرهای تأثیرگذار

به منظور تحلیل عوامل تأثیرگذار بر آمایش سرزمین مناطق مرزی و غیرمرزی استان سیستان و بلوچستان از روش تحلیل مسیر استفاده شده است. در این روش اثر مستقیم متغیّرهای ۲۲ گانه در قالب مؤلفه‌های ژئوپلیتیکی و زئواکونومیکی بر آمایش سرزمینی استان از طریق رگرسیون توام به دست آمده است. سپس ضرایب همبستگی متغیّرهای فوق با متغیّرهای آمایش سرزمین استان که در واقع مؤلفه‌های اجرایی آمایش سرزمین در استان بوده است از طریق همبستگی پیرسون محاسبه گردیده است. در نهایت به روش تجزیه همبستگی (یعنی کم کردن میزان اثر مستقیم از میزان همبستگی پیرسون) مقدار اثرات غیرمستقیم محاسبه شده است. شایان توضیح است که برای اندازه‌گیری میزان چند هم خطی در متغیّرهای مستقل از روش معمول فاکتور تورم واریانس استفاده شده است. تحلیل مسیر عوامل مؤثر بر آمایش سرزمین استان سیستان و بلوچستان به شرح نمودار ۴ است.

شکل ۱: وجود بنادر و اسکله‌های متعدد در سواحل مکران

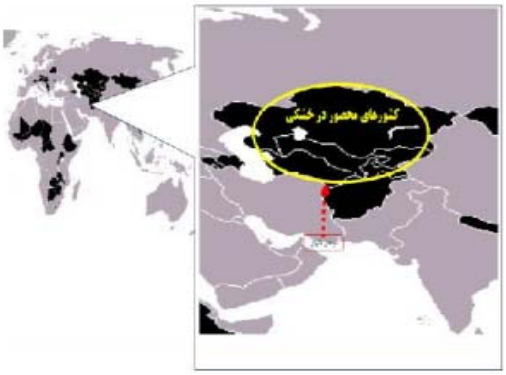

شکل ۲: موقعیت کشورهای محصور در خشکی در آسیای مرکزی و سواحل مکران

شکل ۳: نقش استراتژیک سواحل مکران در ارتباط تجاری شمال- جنوب و شرق و غرب

شکل ۴: ارتباط زمینی افغانستان به آبهای آزاد از طریق سواحل مکران و چابهار

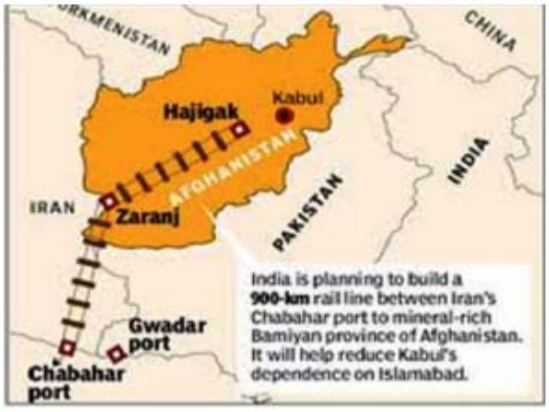

شکل ۵: ارتباط ریلی افغانستان به آب‌های آزاد از طریق سواحل مکران و چابهار

مأخذ: زرقانی و همکاران، ۱۳۹۱

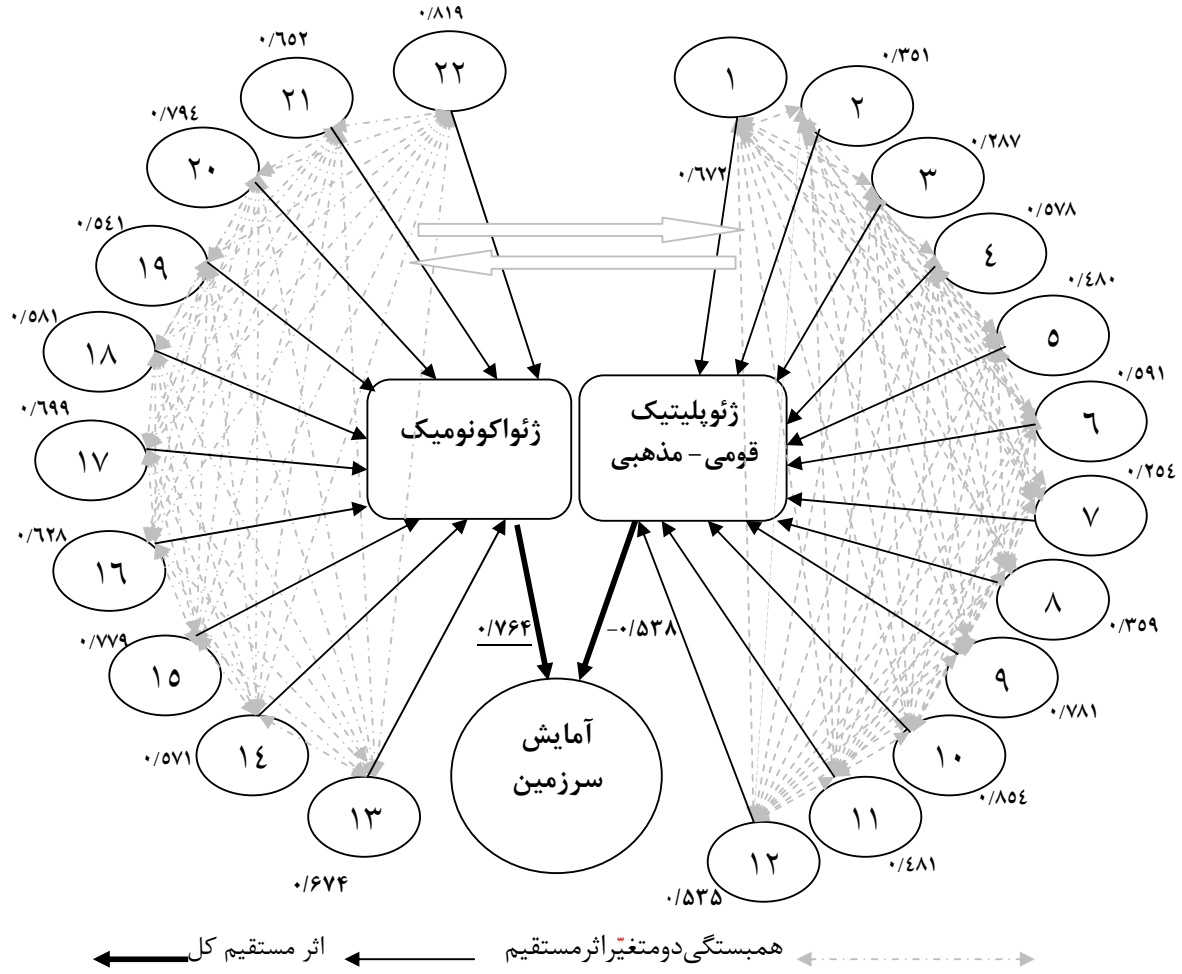

نمودار ۴: تحلیل مسیر مؤلفه‌های مؤثر بر آمایش سرزمین استان سیستان و بلوچستان

تهیه و ترسیم : نگارندگان، ۱۳۹۳

جدول ۳: اثرات مستقیم و غیرمستقیم همبستگی بخش‌های مختلف با آمایش سرزمین استان سیستان و بلوچستان

متغیّرهای مستقل	اثرات مستقیم	اثرات غیرمستقیم	ضریب همبستگی	VIF
ژئوپلیتیک قومی- مذهبی	-۰/۵۳۸	-۰/۱۸۷	-۰/۷۲۵	۵/۴۸۷
ژئواکونومیک	۰/۷۶۴	۰/۱۶۹	۰/۹۳۳	۶/۲۰۱

مأخذ: مطالعات میدانی نگارندگان، ۱۳۹۳

در واقع برای تعیین مهم‌ترین عوامل مؤثر بر آمایش سرزمین استان سیستان و بلوچستان ۲۲ متغیّر در قالب دو متغیّر مستقل ژئوپلیتیک قومی- مذهبی و ژئواکونومیک و اثر آنها وارد مدل رگرسیونی شده است. با توجه به اینکه برای تعیین اثر واقعی هر متغیّر مستقل، چند هم خطی باید پایین باشد از روش VIF

برای تعیین وجود یا عدم رابطه چند هم خطی استفاده گردید. در صورتی که مقدار VIF کمتر از ۱۰ باشد، نشان‌دهنده‌ی عدم رابطه چند هم خطی بین متغیّرهای مستقل است. نتایج مندرج در جدول (۲) نیز حاکی از عدم چند هم خطی بین متغیّرهای مستقل بوده و از این رو، آثار مستقیم به دست آمده برای هر متغیّر مستقل قابل اعتماد می‌باشند. بر اساس نتایج، متغیّرهای ژئواکونومیک با میزان ۰/۷۶۴ دارای بیشترین تأثیرات در آمایش سرزمین استان و کاهش دوگانگی منطقه‌ای و کاهش شکاف مرکز- پیرامون داشته‌اند. اما متغیّرهای ژئوپلیتیک قومی- مذهبی با میزان ۰/۵۳۸- دارای اثر منفی و کاهنده بر آمایش سرزمین استان بوده‌اند که بیشترین تأثیر آنها نیز از طریق تأثیرات مستقیم می‌باشند. بر این اساس همواره متغیّرهای ژئوپلیتیک قومی مذهبی در استان سیستان و بلوچستان با تأثیرات منفی عوامل منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای می‌توانند اثرات مثبت ژئواکونومیک استان را از بین ببرند به گونه‌ای که با وجود ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های اقتصادی موجود در منطقه، همواره میزان محرومیت در این استان در سطح بالایی باشد. همچنین گسترش تنش‌های قومی که همواره به علت تحریکات قدرت‌های فرامنطقه‌ای و تحت‌تأثیر عوامل نزدیکی با مرز و متاثر از آن سوی مرزها است، منجر به ایجاد ناامنی در منطقه شده است و این عوامل تمام فرصت‌های موجود در منطقه در زمینه‌ی توسعه‌ی اقتصادی را از بین می‌برد.

نتیجه

استان سیستان و بلوچستان به لحاظ مسائل ژئوپلیتیکی با مسائل و مشکلاتی از جمله دور بودن از مرکز و توسعه نیافتگی در ساختارهای اجتماعی و اقتصادی، تنگدستی شدید اقتصادی، وجود مرز دراز و سختی کنترل آن، شرایط اقلیمی و جغرافیای گمراه - کننده، عدم کنترل افغانستان و پاکستان بر نواحی همجوار و سرانجام موضوع‌های فرهنگی، اجتماعی، تاریخی و داد و ستدهایی که همه‌ی این سازه‌ها با یکدیگر دارند، بستر پیدایی و گسترش ناامنی‌ها را در مرز و جنوب خاوری و استان سیستان و بلوچستان فراهم می‌آورد. می‌توان گفت تمایزات قومی، زبانی و مذهبی بین منطقه‌ی فرهنگی سیستان و منطقه‌ی فرهنگی بلوچستان، وجود احساس تبعیض و محرومیت درون استانی (بین شیعه و سنی و قوم بلوچ و سیستانی) و بین استانی(بین استان سیستان و بلوچستان و سایر استان‌ها)، تأثیرپذیری برخی از طلاب علوم دینی تحصیل‌کرده در خارج از کشور از القائات وهابیت و سلفیون تکفیری و اشاعه‌ی آن در داخل کشور، زمینه‌های تاریخی واگرایی بین حکومت مرکزی و قوم بلوچ و همچنین حضور و مداخله‌ی مستقیم و غیرمستقیم قدرت‌های فرامنطقه‌ای در کشورهای همسایه و تأثیرات آن بر روی تحرکات و تنش‌های قومی در منطقه، از جمله مهمترین مسائل ژئوپلیتیکی استان است که تأثیرات خود را بر روی عدم تحقق کارکردهای آمایش سرزمینی و کاهش دوگانگی‌ها و شکاف بین مرکز و پیرامون گذاشته است. در طرف مقابل استان سیستان و بلوچستان و به ویژه مرزهای خشکی و ساحلی آن دارای پتانسیل‌ها و فرصت‌های گسترده‌ی اقتصادی است که در صورت ایجاد اتحاد و انسجام در مسائل درون منطقه‌ای ژئوپلیتیکی به ویژه انسجام قومی- مذهبی می‌تواند به عنوان یک قطب مهم اقتصادی در ناحیه جنوب شرق کشور تعریف و تبیین شود. فرصت‌های ژئواکونومیکی استان با وجود سواحل و بازارچه‌های مرزی و مسائل ترانزیتی استان قابل تبیین و توجیه است. در این میان منطقه‌ی آزاد تجاری- صنعتی چابهار با پهنه‌ای حدود

۱۴ هزار هکتار، در خاور خلیج فارس و در کنار شهر مرزی و بندری چابهار و دریای مکران و ۷۰ کیلومتری مرز ایران و پاکستان قرار گرفته است، به عنوان زنجیره ی چرخ ترانزیت خاور کشور در بعد ملی به عنوان تکیه گاه (توسعه ی محور شرق) و در بعد فراملی به عنوان پل پیوندی کشورهای آسیای مرکزی و کشورهای جنوب خاورآسیا برای ورود به بازارهای جهانی است. منطقه ی آزاد چابهار به انگیزه ی قرار گرفتن در یکی از کریدورهای مطرح، می‌تواند بهترین گذرگاه برای ترانزیت (گذر کالا) به کشورهای آسیای مرکزی و افغانستان باشد. علاوه بر بندر چابهار، بندرکنارک، بازارچه‌های مرزی و پهنه‌های گسترده صنایع انرژی بر در استان، قابلیت‌های ژئواکونومیکی استان را دوچندان کرده است که با شناسایی نقاط ضعف در این حوزه و کاهش تهدیدات و نقاط ضعف درون منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در ابعاد ژئوپلتیکی قومی- مذهبی، سیاسی می‌توان به یک آمایش سرزمینی مطلوب و کاهش دوگانگی منطقه‌ای و همچنین کاهش شکاف بین مرکز- پیرامون دست یافت.

پیشنهادات

با توجه به یافته‌های این پژوهش، راهکارها و راهبردهای رهگشا جهت تحقق‌پذیری آمایش سرزمینی در استان به شرح زیر ارائه می‌گردد:

- برنامه‌ریزی به منظور تثبیت موقعیت استراتژیک جمهوری اسلامی ایران در مناسبات ژئوپولیتیک و ژئواکونومیک منطقه و در پرتو چشم‌اندازی آینده‌نگر، از طریق محور شرق و دریای عمان؛
- ترویج اتحاد و همگرایی قومی در استان با استفاده از برگزاری همایش‌ها و سمینارها؛
- بسترسازی برای مشارکت گروه‌های قومی و مذهبی در ساختار فضایی قدرت در درون منطقه؛
- تقویت و تجهیز بازارچه‌های مرزی استان خصوصاً اعمال مدیریت کارآمد و با ثبات در جهت گسترش تجارت مرزی و تأمین نیازهای منطقه‌ای؛
- توسعه‌ی اجتماعی– اقتصادی در نقاط مرزی؛
- ایجاد اشتغال و گسترش فرصت‌های شغلی در مناطق مرزی برای کاهش آسیب‌پذیری‌های ناشی از فقر و بیکاری و افزایش ضریب امنیت مرزی و اجتماعی؛
- استفاده از عوامل مقوم همبستگی و هویت ملی نظیر تقویت زبان فارسی، گسترش ارتباطات میان قومی، ذهنیت زدایی از تصویر تحریف شده قومیت‌ها نسبت به یکدیگر و تقدم عنصر ایرانیت بر قومیت با تکیه بر زمینه‌های فرهنگی و تاریخی مشترک برای کاهش تأثیرپذیری از تبلیغات واگرایانه؛
- بهره‌گیری از ظرفیت ژئواکونومیک چابهار و امکان انتقال گاز پارس جنوبی به این منطقه (و یا با تعریف ظرفیت اضافی در خطوط گاز صادراتی به پاکستان و هند) می‌توان زمینه‌های گسترده‌ای را در سرفصل‌های گوناگون و به خصوص پتروشیمی و صنایع انرژی بر در منطقه خلق کرد.
- تعاملات اجتماعی و وابستگی‌های منطقه‌ای به بخش مرکزی وهارتلند کشور می‌تواند این منطقه را با بخش مرکزی پیوند زده و با توسعه‌ی ایجاد شده، نگرانی‌های ژئوپلیتیکی از قبیل بحران‌های قاچاق، بحران‌های جدایی‌طلبی سرزمینی، بحران‌های عدم احساس وابستگی و دیگر بحران‌های ژئوپلیتیکی مفروض را کاهش دهد. در واقع همان نقشی که جنوب غرب ایران در قرن ۲۰ در سرنوشت کشور ایفا کرد، جنوب شرق ایران در قرن ۲۱ در سرنوشت کشور ایفا خواهد کرد.

- جنوب شرق کشور به نمایندگی از جمهوری اسلامی ایران، در پرتو چشم‌انداز و تدابیر آینده‌نگر و با توجه به ملاحظات ژئوپولیتیک و ژئواکونومیک منطقه، قادر است با اتصال شمال- جنوب و شرق- غرب در نظام نوین بین‌المللی، ارزش موقعیت خود را به مراتب ارتقاء بخشیده و از این رهگذر به گستردگی، فرآیند انباشت سرمایه‌ها را به‌عنوان موتور توسعه در کشور و محور شرق برنامه‌ریزی کند.

- پی‌جویی راهبرد بهره‌گیری مناسب از موقعیت ژئوپلیتیک جنوب شرق ایران با توجه به همجواری آن با کشورهای پاکستان و افغانستان و قرار گرفتن در مسیر دسترسی به آب‌های آزاد جهان برای کشورهای آسیای مرکزی و افغانستان که جایگاه ویژه‌ای را برای گسترش مبادلات منطقه‌ای و بین‌المللی ایران فراهم نموده است.

منابع

- ابراهیم‌زاده،عیسی (۱۳۸۹). آمایش سرزمین و برنامه‌ریزی محیطی در جنوب‌شرق ایران، . تهران. انتشارات مؤسسه-اطلاعات.
- ابراهیم‌زاده،عیسی؛ معصومه حافظ رضازاده؛ مرضیه دارایی (۱۳۹۱). بازارچه‌های شهرهای مرزی، دریچه‌ای به توسعه گردشگری شهری مطالعه موردی: استان سیستان و بلوچستان، اولین همایش ملی شهرهای مرزی و امنیت. چالش‌ها و رهیافت‌ها. دانشگاه سیستان و بلوچستان.
- احمدی‌پور،زهرا؛ طهمورث موصلوحیدری؛ اکبر میرجلالی (۱۳۹۰).تبیین‌عوامل ناامنی در جنوب‌شرق ایران،فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی. شماره ۲۷. صفحات ۴۴- ۱۳.
- امامی، محمدعلی (۱۳۹۲). نگاهی به موقعیت خلیج فارسو نقش قدرت‌های فرامنطقه‌ای در آن، مرکز مطالعات خلیج‌فارس. مؤسسه مطالعات ژئوپلیتیک. استراتژیک. تاریخ و جغرافیای خلیج‌فارس.
- بختیارپور، علی؛ عزت‌الله عزتی (۱۳۸۹).بسط ژئوپلیتیک ایران در خاورمیانه غربی با ترسیم مدل بسط در مدیترانه شرقی،فصلنامه جغرافیای سرزمین. سال‌هفتم. شماره ۲۷. صفحات ۲۰-۱.
- پورطالب، روح‌الله؛ فاطمه حاتم‌آبادی‌فراهانی (۱۳۹۱). بررسی کارکرد بین‌المللی مرز ایران و عراق با تأکید بر مباحث قومی و ژئوپلیتیکی استان خوزستان، اولین همایش ملّی شهرهای مرزی و امنیت، چالش‌ها و رهیافت‌ها. دانشگاه سیستان و بلوچستان
- پیشگاهی‌فرد، زهرا؛ حجت مهکویی، قاسم قنبری؛ اسماء رخشانی‌نژاد (۱۳۹۱). نقش ژئوپلیتیکی شهرهای مرزی در توسعه گردشگری، اولین همایش ملی شهرهای مرزی و امنیت. چالش‌ها و رهیافت‌ها. دانشگاه سیستان و بلوچستان
- جندقیان، عباس (۱۳۹۱). موانع خارجی تهدید و تأثیرات آن بر امنیت در شهرهای مرزی جنوب شرق ایران، اولین همایش ملی شهرهای مرزی و امنیت. چالش‌ها و رهیافت‌ها. دانشگاه سیستان و بلوچستان.
- جوادیان،سیدحمید؛ مجید ابراهیمی؛ سمیرا میس‌شریفان، حمید نژادسلیمانی (۱۳۹۱). پیامدهای ژئوپلیتیکی امنیتی تغییر بستر رودخانه‌های مرزی شمال شرق کشور (مطالعه موردی: رودخانه مرزی هریرود)، اولین همایش ملی شهرهای مرزی و امنیت. چالش‌ها و رهیافت‌ها. دانشگاه سیستان و بلوچستان.
- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۹۲). نظریه ساختار ژئوپلیتیکی درحال ظهورجهان،جزوه درسی. دانشگاه تربیت مدرس.
- حافظ‌نیا، محمدرضا؛ ابراهیم رومینا (۱۳۸۴). تحلیل ظرفیت‌های ژئوپولیتیک سواحل جنوب شرق ایران در راستای منافع ملی (فضای مورد غفلت)، مجله جغرافیا و توسعه. دانشگاه سیستان و بلوچستان. شماره پیاپی ۶. صفحات ۲۰- ۵.
- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۱). جغرافیای سیاسی ایران، انتشارات سمت. تهران.

- خلیلی، محسن؛ مرتضی منشادی؛ فهیمه آزموده (۱۳۹۰). بایستگی‌های‌ژئواکونومیک توسعه‌ی منطقه‌ی جنوب شرق ایران، فصلنامه روابط خارجی. سال سوم. شماره ۴. صفحات ۱۲۴- ۸۱.
- دفتر آمایش و توسعه پایدار و محیط زیست (۱۳۸۳). طرح توسعه و فعال‌سازی محور ترانزیتی چابهار، (گزارش مطالعات)، معاونت امور اقتصادی و هماهنگی. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی.
- دفتر آمایش برنامه‌ریزی منطقه‌ای (۱۳۸۳). نقشه‌ی دوگانگی منطقه‌ای، سازمان مدیریت برنامه‌ریزی.
- راستی، عمران (۱۳۹۱). واکاوی ژئوپلیتیکی و جغرافیایی- سیاسی ناامنی‌های دهه‌ی ۱۳۸۰ خورشیدی در جنوب شرق ایران، اولین همایش ملی شهرهای مرزی و امنیت، چالش‌ها و رهیافت‌ها. دانشگاه سیستان و بلوچستان.
- زرقانی، سیدهادی؛ معصومه قلی‌زاده (۱۳۹۱). بررسی و تحلیل نقش و جایگاه استراتژیک سواحل مکران، اولین همایش ملی توسعه سواحل مکُران و اقتدار دریایی جمهوری اسلامی ایران.
- سپهری‌راد،حسین؛عبدالباسط نهتانی‌فر؛ محمدعلی قصری (۱۳۹۱). استقرار صنایع انرژی بر در سواحل جنوبی استان سیستان‌و بلوچستان و تأثیر آن بر توسعه اقتصادی، اجتماعی و امنیتی شرق کشور. اولین همایش ملّی شهرهای مرزی و امنیت، چالش‌ها و رهیافت‌ها. دانشگاه سیستان و بلوچستان.
- صدری،سعیده؛ صمد فتوحی؛ خدیجه جوجی‌زاده؛ نسرین توفان (۱۳۹۱). تأثیر موقعیت ژئوپولیتیکی بندر کنارک و سواحل آن بر امنیت جنوب شرق کشور، اولین همایش ملی شهرهای مرزی و امنیت. چالش‌ها و رهیافت‌ها. دانشگاه سیستان و بلوچستان.
- قالیباف، محمدباقر؛ محمد یعقوبی؛ ابوالقاسم محمودی (۱۳۹۳). تبیین ژئوپلیتیکی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در منطقه خلیج‌فارس مبتنی بر انرژی‌های فسیلی، فصلنامه ژئوپلیتیک. سال دهم. شماره سوم. صفحات ۷۵-۵۶.
- کیانی‌مقدم، منصور؛ حمیدرضا تهمک؛سبحان ایرانشاهی (۱۳۹۱). تحلیلی بر وضعیت و ظرفیت بندر چابهار در مقایسه با بندر گوادر جهت تبدیل شدن به دروازه شاهراه اقتصادی آسیای میانه و اروپای شرقی، اولین همایش ملی توسعه سواحل مکران و اقتدار دریایی جمهوری اسلامی ایران.
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۰). سرشماری عمومی نفوش و مسکن استان سیستان و بلوچستان.
- معصومی،مجید؛ بهناز اژدری؛محمدجواد ملکوتی (۱۳۹۲). نقش ژئوپلیتیکی رودخانه و ژئواکونومیکی بازارچه مرزی در برقراری امنیت اجتماعی شهرستان هیرمند و روابط اقتصادی بین ایران و افغانستان، مجله پژوهشنامه جغرافیای انتظامی.سال‌اول.شماره سوم. صفحات ۹۸-۶۷.
- موسوی، میرنجف (۱۳۸۸). تحلیل کارکرد مرز بر ساختار فضایی شهرهای مرزی (مورد: آذربایجان غربی)، پایان‌نامه دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده ادبیات و علوم انسانی. گروه جغرافیا.
- موسوی، میرنجف؛ ایوب منوچهری‌میاندوآب؛ زهرا ادیب‌نیا (۱۳۹۳). نقش مرز و قومیّت در عملکرد نقاط شهری مطالعه موردی: منطقه آذربایجان. فصلنامه ژئوپلیتیک. سال دهم. شماره اول. صفحات ۲۲۰- ۱۹۰.
- مینایی، مهدی (۱۳۸۲). انقلاب اسلامی و جایگاه ژئواکونومیک جمهوری اسلامی ایران، مجله اندیشه انقلاب اسلامی. شماره ۷ و ۸. صفحات ۲۴۸- ۲۴۱.
- نادری، احمد (۱۳۸۹). نظریه ریملند شیعی و ژئوپلیتیک نوین شیعه در قرن بیست و یکم، کنفرانس بین‌المللی فرهنگ‌گرایی و جامعه جهانی. تهران. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- نامی، حسن؛ علی محمدپور؛ علیرضا عباسی (۱۳۸۸). تحلیل‌جایگاه ژئواکونومیک ایران در خاورمیانه، فصلنامه ژئوپلیتیک. سال پنجم. شماره ۲. صفحات ۶۵-۴۱.
- نصیری،حسین؛ محمد ستاری‌فر؛ حمید احمدی (۱۳۸۸). تعامل ملّی، منطقه‌ای و جهانی راهبردی برای پایداری محور شرق، مجله جغرافیا و توسعه. شماره پیاپی۱۴. دانشگاه سیستان و بلوچستان. صفحات ۱۷۲-۱۴۱.

- ولی‌قلی‌زاده، علی؛ یاشار ذکی (۱۳۸۷). بررسی و تحلیل جایگاه ژئوپولیتیکی و ژئواکونومیکی ایران برای کشورهای CIS، فصلنامه ژئوپولیتیک. سال چهارم. شماره سوم. صفحات ۵۶-۲۳.
- یوسفی، ثریا؛ سجاد کریمی (۱۳۸۹). ژئوپلیتیک سازه‌ای برای همگرایی کشورهای جهان اسلام، چهارمین همایش بین‌المللی جغرافیدانان جهان اسلام. دانشگاه زاهدان.
- Adey, P (2004). Secured and Sorted Motilities: Examples from the Airport, Surveillance and Society 1(4) PP: 500-519.
- Bigo, D (2002). Security and Immigration: Towered a Critique of The Govern mentality of Unease, Alternatives, 27(1) PP:63-92, supplement.
- De Blij, HJ (1973). Systematic Political Geography, John Wiley &Sons, Inc, New York.
- Guo, Rongxing (2005).Cross- Border Resource Management Theory&Practice, Elsevier, London.
- Ebrahimzadeh, I, Sahraei, A (2012). An Analysis on Religious-Ethnic Geo-politic, Security and Development in Border Towns Case Study: Sistan and Balouchestan . Issa Ebarhimzadeh, Ahmad Sahraei Journal of Romanian Review of Regional Studies(RRRS). Volume VIII, No.2, PP: 29-40, November 2012 Website :http://rrrs.reviste.ubbcluj.ro.
- Passi, A (1996). Territories, Boundaries, & Consciousenss: The Changing Geographies of the Finnish-Russian Border, John Wiley & Sons Ltd, Chichester.
- Pena, Sergio (2005). Recent development in urban marginality along Mexico,s northern border, Journal of Habitat International,No29,PP:258- 301.
- Sermak, Agnieszku Brzosko (2007). Theoretical Deliberations on Frontier location of Cities, Bulletin of Geography (Socio-Economic Sires), No, 7 PP : 73-86.
- Walters, W (2006). Border/ Control, European Journal of Social Theory,9(2),PP:187-203,London.